

نظام‌سازی اسلامی در حوزه اجتماعی از منظر علم مدیریت و فقه اسلامی

محمد تابان*

اردشیر شیری*، مهدی اکبرنژاد***، صفورا یوسفیان****

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی و تبیین ابعاد نظام‌سازی اسلامی در حوزه اجتماعی می‌باشد. روش این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی از نظر ماهیت کیفی است که به‌طور خاص از تحلیل مضموم و گروه‌کانونی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها بررسی متن آیات و تفاسیر از قرآن کریم بوده و در بخش گروه‌کانونی از نظر ۸ نفر از اساتید صاحب‌نظر در رشته‌های مدیریت و فقه اسلامی، استفاده گردیده است. یافته‌ها: در بخش تحلیل مضمونی با بهره‌گیری از آیات قرآن ۴۸۳ کد و مضمون اولیه احصاء شد پس از جمع‌آوری اطلاعات، مؤلفه‌های آن از طریق تحلیل مضامین استخراج و انتخاب مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با روش تشکیل نهایی گروه‌کانونی انجام شد. مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی از نظر خبرگان، در هشت دسته مضامین فراگیر شامل: جامعه حق‌مدار، بصیرت اجتماعی، معنویت اجتماعی، ارتباطات اخلاقی، فضیلت اجتماعی، مشورت و مشارکت‌گرایی، شایسته‌سالاری، شفافیت، ایثار و فداکاری می‌باشد. نتیجه‌گیری: پس از شکل‌گیری مدل پژوهش از منظر گروه‌کانونی، مؤلفه‌های جامعه حق‌مدار، مشورت و مشارکت، شایسته‌سالاری و شفافیت، بیشترین نقش را در نظام‌سازی اسلامی را دارند.

* استادیار گروه مدیریت منابع انسانی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ایلام، taab1351@ut.ac.ir

** استادیار گروه مدیریت منابع انسانی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ایلام، shiri_ardeshir@yahoo.com

*** دانشیار دانشکده الهیات، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، m_akbarnezhad@yahoo.com

**** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی (نویسنده مسئول)، yousefians1990@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۴

کلیدواژه‌ها: نظام سازی اسلامی، فقه اسلامی، تحلیل مضمون کیفی.

۱. مقدمه

بدون تردید تعالی و انحطاط یک جامعه به وضعیت علوم انسانی آن جامعه ارتباط مستقیم دارد و می‌توان اذعان نمود شکوفایی و حرکت روبه‌جلوی علوم انسانی از عوامل مهم پیشرفت و مبارزه و یا انحطاط یک جامعه است (حیدری چناری و مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۰). کار ویژه اصلی علوم انسانی تولید نرم‌افزاری برای جامعه سازی و نظام سازی است و این مهم همان فاز دوم حرکت انقلاب اسلامی است. جامعه دارای دو بعد کالبدی و معنوی است و اولی، محصول علوم مهندسی و دیگری، محصول علوم انسانی می‌باشد و البته ارزش بعد کالبد جامعه به بعد معنوی آن است و از این نظر بدون تحول در علوم انسانی موجود نمی‌توان به جامعه پردازی و نظام سازی مطلوب دست زد. برای تحول باید دست‌به‌کار نظریه‌پردازی شد (امینی، ۱۳۹۱).

در نیمه‌ی دوم قرن بیستم ما شاهد ظهور نوع دیگری از عقلانیت در جهان اسلام هستیم. مراحل اولیه‌ی این عقلانیت در ایران مقبولیت عمومی پیدا کرد و آن‌قدر موج عظیمی به راه انداخت که منجر به تولد نظام حکومتی خاص (حکومت اسلامی) شد و امواج آن در کشورهای دیگر با قدرت پیش می‌رود. اگر این عقلانیت سیر تکامل خود را طی کند بدون شک تمدن نوینی را به جهان عرضه خواهد کرد. این چالش بزرگی است، راه آسانی نیست. از بعد نظری نیاز دارد که ژرف اندیشان امت اسلامی ساختارهای نظری لازم را عرضه کنند و به تدریج هم نقد و اصلاح شوند و هم مقبولیت عمومی پیدا کنند (لاریجانی، ۱۳۹۱). در نتیجه تمدن عظیم اسلامی ایجاد می‌گردد. تمدن اسلامی، شکل جامع و فراگیری از اسلام است که بر ۴ رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است؛ و در زنجیره‌ی پویا و متکامل انقلاب، نظام، دولت، جامعه و تمدن اسلامی؛ در ابعاد مختلف فلسفی علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به صورت تدریجی و گام‌به‌گام پیش می‌رود و تحقق متعالی آن در دوران ظهور امکان‌پذیر خواهد شد (الویری و برزویی، ۱۳۹۴). با توجه به اهمیت علوم انسانی و نیاز به بازتعریف نظام جدید در راستای تحقق اهداف اسلامی برای رفع ایرادات موجود در جامعه و طراحی و اجرای نظامی کامل و مبتنی بر نیازهای جامعه اسلامی؛ در این پژوهش به‌عنوان آغازگر راهی طولانی و مهم به مقوله‌ی نظام سازی در حوزه‌ی اجتماعی پرداخته شده است.

بیان مسئله

علوم انسانی از جایگاه تعیین‌کنندگی در شکل دادن به مبانی ارزشی و هنجار ساز جامعه از یک سو و طرح آرمان‌ها و غایات جامعه و نیز مناسبات ساختاری برای امکان‌پذیر کردن این اهداف برخوردار است. به همین دلیل از این وجه برای انقلاب اسلامی از اهمیتی مضاعف برخوردار است که در یک جمع‌بندی کلان، همه مواضع «تئوریک» و «عملی» جنبش‌های انقلابی و نهضت‌ها و حرکت‌های خواهان تحول به‌خصوص انقلاب اسلامی به دو محور اساسی قابل تقسیم است:

الف) ساقط کردن نظم حاکم

ب) ساختن و استقرار نظم جدید

کار نظام سازی یک فرایند «تدریجی» «زمان‌بر» و «پیچیده» است که عمده چالش‌ها و مشکلات انقلاب‌ها در اینجا است که اگر نتوانند نظم جدید را متناسب با مبانی و ارزش‌ها و آرمان‌های مخصوص به آن انقلاب مستقر کنند و یا این نظام سازی نتواند در عمل کارآمدی از خود نشان دهد، ورق بر خواهد گشت و همه آنچه به‌دست آمده، از دست خواهد رفت و نظم سابق و یا چیزی شبیه آن بر جامعه حکم فرما می‌شود (امینی، ۱۳۹۱). نظام سازی گوهری است که از دل دریای جامعه بیرون کشیده می‌شود و صیاد ماهری می‌خواهد که دولت و نهاد حاکم بر جامعه است (پیوسته، ۱۳۹۴). فرایند نظام‌سازی و جامعه‌پردازی عمدتاً سه محور اصلی به‌هم پیوسته و در ارتباط باهم دارد که شامل «تولید نرم‌افزار و سوخت نظری برای حرکت»، «نهادسازی» و «کادرسازی» است که به موازات یکدیگر باید مورد توجه باشد. اینجا است که روشن می‌شود کانون اصلی پاسخگویی به مسئله نظام‌سازی، مجموعه علوم انسانی کشور است که تأکید و توجه و ابراز حساسیت نسبت به آن در واقع ناشی از همین مسئله است (امینی، ۱۳۹۱). نظام سازی منجر به رفع ایرادات جامعه اسلامی می‌گردد؛ مؤمنین و مؤمنات در هر نقطه‌ای از جهان اسلام آمران به معروف‌اند که خداوند در این مورد فرمود: (وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ) «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند» (سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۷۱). این‌ها چهارپایه‌ی اصلی برای نظام‌سازی است که از هر کدام از این‌ها، شاخه‌هایی منشعب می‌شود. نظام اسلامی متکی است به اقامه‌ی صلوات، ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر؛ یعنی انسجام و ارتباط

اجتماعی و قلبی میان آحاد مردم در نظام اسلامی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴). تأکید از بالاترین رکن نظام، نشان می‌دهد تحولی درونی در جریان است. تحولی که مقصود آن، بازآفرینی و در صورت لزوم، واسازی نقش‌ها و کارکردهای نظام اجتماعی به‌منظور تداوم و بهبود عملکرد نظام است. نظام‌سازی به افزایش انسجام اجتماعی معطوف است و این انسجام در حمایت مردم از دولت و خدمت دولت به مردم یا همان همدلی و هم‌زبانی این دو دیده شده است (پیوسته، ۱۳۹۴)؛ که نشان‌دهنده اهمیت آن در حوزه‌های مختلف است، بر این اساس لازم است طراحی نظام‌سازی در آموزش عالی بر اساس فقه کلان را انجام دهیم تا گامی در جهت تصحیح جریان حرکت سازمانی در این حیطه برداشته شود. در این خصوص لازم است از فقه و مبانی فقهی برای نظام‌سازی استفاده کنیم اهمیت موضوع به حدی است که حضرت امام (ره) در کتاب صحیفه (۲۱) فرموده است: (فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است) (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۲۸۹). نظام‌سازی فرایندی است که برای انجام دادن و تکمیل آن زمان طولانی لازم است. فقه شیعه نیز که تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، نظام سیاسی نداشت، به‌صورت تئوری به ساخت نظام جامع اقدام نکرده بود. پس از انقلاب اسلامی حضرت امام (ره) اولین اقدام را به لحاظ تئوریک در این زمینه انجام داد و بر پایه فقه، نظامی نو بنا نهاد. نظام‌سازی نیازمند فرآیند زمانی است و به تعبیری: «نظام‌سازی یک امر دفعی و یک‌باره نیست، نظام‌سازی یک امر جاری است، روزبه‌روز بایستی تکمیل شود؛ متمم شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰).

در وضعیت کنونی این مسئله در کانون توجه قرار دارد که علوم انسانی رایج در دانشگاه‌ها در برآوردن آرمان‌های انقلاب اسلامی در جامعه چه سهم و نقشی داشته و دارد؟ انتظار همگان از علوم انسانی، تحقق برخی تحولات مطلوب در افراد و جامعه است و لذا علوم انسانی از نوع معارف انقلابی و دگرگون‌ساز است؛ اما به نظر می‌رسد وضعیت جامعه کنونی ما به‌گونه‌ای است که انتظارات و اهداف مورد توقع از علوم انسانی تحقق نیافته است (حیدری چناری و مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۰).

در کشور ما معمولاً نظام‌های تعریف‌شده خصوصاً آنچه بدنه اصلی علوم انسانی را تشکیل می‌دهد در رشته‌های مختلف، صرفاً ترجمه‌ای از نظریه‌ها و نظام‌های طراحی و پیاده شده در کشورهای غربی بوده و تاکنون نظامی متناسب و مطابق با فقه کلان و با بهره‌گیری از داشته‌های دینی و قرآنی تبیین نشده است. لذا باید در بخش‌های مختلف از علوم انسانی نظام‌سازی بر اساس اصول اسلامی و دینی صورت پذیرد، اثرپذیری از فرهنگ سازمانی بیگانگان را کنار بگذارند و به اصل ایرانی-اسلامی خویش بازگردند. مهم‌ترین مسئله‌ای که

ذهن محقق را به خود مشغول نموده این است که؛ تاکنون در آموزش عالی کشور پژوهشی برای پرداختن به موضوع نظام سازی به صورت جدی و بر اساس فقه کلان که همان بهره‌گیری از قرآن کریم است تا نیازهای جامعه در بخش‌های مختلف را برطرف نماید صورت نگرفته است و تنها پژوهش‌ها بر اهمیت پرداختن به نظام سازی و تذکر به لزوم بازتعریف نظام‌های موجود در کشور از طریق بهره‌گیری از علم قرآن متمرکز بوده‌اند.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌ها، پیام‌ها و جلسات متعدد، یکی از رسالت‌ها و مأموریت‌های اساسی انقلاب اسلامی، در عصر حاضر را تمدن سازی دانسته‌اند؛ که ایشان برای تحقق آن قائل به چند محور اصلی هستند. محور اول توجه به زنجیره‌ی تمدن سازی است؛ که شامل «انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است. محور دوم توجه به ضرورت داشتن الگوی خاص و ویژه است؛ که از آن به‌عنوان الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت یاد می‌کنند. درباره‌ی ایرانی بودن الگو؛ این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ یعنی ما نمی‌خواهیم آن را از دیگران بگیریم» (گودرزی، ۱۳۹۴).

پرداختن به مسئله‌ی نظام‌سازی در زمان ما از جهاتی ضرورت دارد؛ یکی از دلایل ضرورت پرداختن به نظام‌سازی، نیازهای موجود در عصر حاضر است. مکتبی در عرصه‌ی علم و اجرا موفق خواهد بود که اقدام به نظام‌سازی کند تا بدین طریق در برابر پیش‌آمده‌ای مختلف راه‌حل داشته باشد و غافل‌گیر نشود (ارسطا، ۱۳۹۰). از اثرات و نتایج به‌کارگیری اصول و فنون مدیریت و نظارت اسلامی به شیوه صحیح در سازمان‌های کشور می‌تواند به وجود آمدن انضباط تعالی‌بخش در سازمان‌ها باشد. انضباط تعالی‌بخش ضمن تأکید بر حفظ سنت‌های مطلوب گذشته، نگاهی جدی رو به تعالی و رشد دارد (لطیفی، ۱۳۹۲: ۱۶۵). بدیهی است که تعریف این‌چنین پژوهش‌هایی به این امر یاری قابل توجهی رسانده و با تعریف صحیح استراتژی‌های موردنیاز در بخش آموزش عالی به ارتقای جوامع دانشگاهی کشور کمک خواهد نمود. اگر ما به مسئله‌ی نظام‌سازی نپردازیم، ناگزیریم آثار زیان باری را تحمل کنیم. یکی از این آثار زیان‌بار، نشان دادن چهره‌ی ناقص و ناکارآمد از فقه اسلامی است. اثر زیان‌بار دیگر، مجبور شدن به استفاده از نظام‌های وارداتی است که بر پایه‌ی مبانی‌ای استوار شده که حداقل با مبانی اسلامی مغایرت دارد و چه‌بسا در برخی موارد با آن متضاد است. افزون بر این اگر ما به‌طور خاص اقدام به نظام‌سازی نکنیم، یک مجموعه‌ی ناهماهنگ در کشور حاصل خواهد شد. در یک نظام سیاسی غیر اسلامی هیچ‌وقت نمی‌توان انتظار اجرای کامل تعالیم اسلامی را داشت. بنابر دلایلی که عنوان شد،

ضرورت زمان ماست که به مسئله‌ی نظام‌سازی بپردازیم (ارسطا، ۱۳۹۰). ضرورت نظام‌سازی و تکمیل نظام‌های موجود و رفع کاستی‌های آن‌ها از اهم موضوعات برای جمهوری اسلامی است که بر عهده‌ی همه‌ی متخصصان و مدیران کشور است.
اهداف:

- برای این پژوهش می‌توان اهداف ذیل را تعریف نمود:
- ۱: کسب و معرفی مؤلفه‌های نظام‌سازی در حوزه‌ی اجتماعی.
 - ۲: تبیین و تفسیر مؤلفه‌های به‌دست‌آمده.

سؤالات

- برای این پژوهش می‌توان سؤالات زیر را تعریف نمود:
- ۲: مؤلفه‌های نظام‌سازی در آموزش عالی ایران با رویکرد فقه کلان کدامند؟
 - ۳: تبیین مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی در حوزه‌ی اجتماعی چگونه است؟

۲. ادبیات تحقیق

باتوجه به معکوس‌سازی صرف مدیریت در ایران، نیازمند تغییر و نوسازی سازمانی در ادارت دولتی ایران مطابق اصول اسلامی - ایرانی با اتخاذ یک رویکرد دینی هستیم، در رویکرد دینی بندگان خداوند ولی نعمتان آن نظام سیاسی‌اند؛ ساختار سازمانی در آن باید بر اساس اصول «رضایت مردم، رضایت خداوند» طراحی شود (دانایی فرد، ۱۳۹۳: ۵۱). در این میان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به عنوان تربیت‌کننده و آموزش‌دهنده‌ی مهم افراد جامعه از حساسیت بیشتری برخوردارند. یکی از گام‌های مهم در مسیر اسلامی شدن دانشگاه‌ها، متحول ساختن علوم انسانی به معنای تصفیه‌ی آن از رویکرد التقاطی است. قطعاً آن نوع از علوم انسانی رایج در دانشگاه که دچار التقاط و گاه الگوبرداری صرف از تئوری‌های دیگر ملل و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها می‌باشد، نمی‌تواند جزیی از یک دانشگاه اسلامی به حساب آید، چراکه در قالب چنین نظام فکری، تنها تئوری‌ها و مسائلی که مطابق مبانی آن فرهنگ‌ها باشد، به رسمیت شناخته می‌شوند نه مطابق مبانی و اصول اسلام و قرآن. اسلام ضمن اینکه ما را به فراگیری و عبرت گرفتن و استفاده از اکتشافات و تجربیات و پیشرفت‌های علمی، فکری و اجتماعی، ملل و فرهنگ‌های دیگر دعوت و تشویق

می‌نماید، اما هیچ‌گاه قائل به وانهادن استقلال و هویت فطری و الهی و قرآنی نیست (حیدری چناری و مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۰). به اعتقاد لاریجانی، تمدن اسلامی را نباید محصور در دنیای اسلام پنداشت، بلکه برای غرب نیز هدیه‌ای در دوران فرامردن خواهد بود (لاریجانی، ۱۳۹۱). حیدری چناری و آزادبنی؛ در پژوهش خود راه برون‌رفت از التقاط و بحران در علوم انسانی را در موارد زیر خلاصه می‌کنند:

۱: مراجعه به قرآن و محور قرار دادن تعالیم قرآنی.

۲: دادن آزادی اندیشه و بیان و پرهیز از جمود و سطحی‌نگری.

۳: کسب قدرت مواجه با افکار بیگانه و تحلیل آن.

۴: درمان از خودباختگی با ترویج خودباوری با آگاهی دادن مردم و جوانان نسبت به فرهنگ اسلامی و افزایش خودآگاهی مردم.

۵: ترویج الگوی ارتباطی حکمت محور قرآن: الگوی ارتباطی قرآن نه شخصیت محور و نه مخاطب محور است بلکه حکمت محور است.

۶: آماده‌سازی روانی جامعه در برابر تهاجم فرهنگی: از منظر امام خمینی (ره) یکی از راه‌های مبارزه با این تهاجم فرهنگی، استفاده از استادانی است که از لحاظ تعهدات مذهبی و ملی کاملاً شناخته‌شده باشند و هیچ‌گونه سرسپردگی به غرب و شرق نداشته باشند (حیدری چناری و مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۰). در نگاه دیگری - که صحیح‌ترین دیدگاه به نظر می‌رسد - به مجموعه بزرگی از نظام‌های اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی، عبادی و...) که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در یک قلمرو پهن‌اور دربرمی‌گیرد (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۲۸) و فرهنگی واحد بر تمام اجزای آن سیطره دارد، تمدن اطلاق می‌شود. هر تمدنی دارای نظامات اجتماعی متعددی می‌باشد که اساساً همین نظامات هستند که تمامیت یک تمدن را محقق می‌سازند، مانند نظام‌های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و دیگر نظامات کلان و خرده نظامات که به صورت هماهنگ و تحت سیطره فرهنگی خاص (مثلاً فرهنگ اسلامی در تمدن اسلامی) تعیین‌بخش می‌باشند (مشکانی سبزواری و الویری، ۱۳۹۰). لذا در بعد اجتماعی به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های هماهنگ جهت الگو بودن در بهبود ساختارها برای رفع ایرادات بخش‌های مختلف نیازمندیم. مؤلفه‌هایی که در بعد اجتماعی کسب خواهند شد در واقع به نیازهای جامعه‌ی اسلامی برای بهبود ساختار و رفع مشکلات می‌پردازد که باید با ایجاد بستر فرهنگی مناسب به این مؤلفه‌ها در سطح اجتماعی رسید. برای تعریف این مؤلفه‌ها لازم است تا از ظرفیت‌های دینی و اسلامی موجود در

مبانی دینی در اختیار بهره ببریم تا بتوانیم در این مسیر موفق باشیم. لذا از آنجا که فقه اسلامی در نمایان ساختن مسیر درست برای کسب مؤلفه‌های اساسی نقش مهمی دارد لازم است تا از داشته‌های فقهی خود برای این امر استفاده نماییم.

۳. کاربرد فقه در تمدن و نظام سازی

واژه فقه در لغت به معنای فهمیدن، دانستن، ادراک و علم آمده است (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳: ۵۲۲). در اصطلاح عام و خاص فقه در معانی زیر آمده است: اصطلاح عام: منظور همه معارف و احکامی است که از طرف خداوند نازل شده، چه در زمینه اعتقادی و اخلاقی و چه در زمینه فروع عملی (تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۳: ۴۷۸) اصطلاح خاص: منظور از آن احکام شرعی و فرعی عملی است که عبادات، معاملات، مسائل حقوقی، کیفری، تجاری و غیره را شامل می‌شود و امروز بخشی از آن در رساله‌های عملی به صورت فتوا دیده می‌شود (حسین زاده، فقه و کلام: ۲۶).

در این پژوهش از فقه کلان و فقه حکومتی استفاده خواهد شد، زیرا در خصوص مسائل حکومتی و کلان در جامعه پژوهش صورت می‌پذیرد: فقه حکومتی نگرشی کل نگر و ناظر بر تمام ابواب فقه است. در این نگاه استنباط‌های فقهی باید بر اساس فقه اداره نظام اجتماعی انجام شود و تمامی ابواب فقه ناظر به اداره امور اجتماع و کشور باشد. از این رو گستره‌ای که در فقه حکومتی مورد بحث قرار می‌گیرد تمامی ابواب و مسائل فقه خواهد بود، زیرا اجتماع و نظام اسلامی شئون و زوایای مختلفی دارد، مباحثی در حوزه اقتصاد، فرهنگ، حقوق سیاست، امور بین‌الملل و مسائلی از قبیل مسائل نظامی، انتظامی، خانواده، احوالات شخصیه و تمامی مسائل مربوط به زندگی بشری در مقوله‌ی مادی و معنوی، دنیوی و اخروی که فقه بایست همه آن مسائل را بنا بر رفع نیازهای اجتماع و نظام اسلامی مورد بررسی قرار دهد (مشکانی سبزواری و الویری، ۱۳۹۰). از فقه حکومتی قصد حرکت برای رسیدن به تمدن اسلامی داریم: در یک دیدگاه معنایی فراگیر برای تمدن در نظر گرفته شده است: که بر اساس این دیدگاه علاوه بر جنبه‌ی نرم و فرهنگی حیات اجتماعی مجموعه عناصر اقتصادی، سیاسی، تکنیک‌ها، سازمان‌های اجتماعی و خلاصه جنبه‌های سخت نیز در گستره‌ی تمدن قرار می‌گیرند. طبق این نظر تمدن عبارت است از: مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی که قابل انتقال بوده و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی،

زیباشناسی، فنی - علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۹۹).

۴. روش تحقیق

روش این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی از نظر ماهیت کیفی است که به‌طور خاص از تحلیل مضمون و گروه کانونی استفاده شده است. پس از انجام تحلیل مضمون، از طریق تشکیل چند جلسه گروه کانونی و نظرخواهی از خبرگان مؤلفه‌های کسب‌شده تعدیل و اصلاح و در نتیجه چند مؤلفه به‌عنوان مؤلفه‌های مهم و اثرگذار بر نظام سازی در حوزه اجتماعی انتخاب شد. تحلیل مضمونی، یکی از روش‌های پایه‌ای و کارآمد تحلیل کیفی است. هم‌چنین روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. به‌طور کلی، مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). فرایند تحلیل مضمونی شامل سه مرحله کدگذاری توصیفی (شامل مطالعه دقیق متن، مشخص کردن بخش‌های مربوط و یادداشت‌گذاری در کنار آن‌ها، تعریف کدهای توصیفی و تکرار این فرایند برای هر مصاحبه و بازنگری کدهای توصیفی در حین پیشرفت) کدگذاری تفسیری (شامل خوشه‌بندی کدهای توصیفی، تفسیر معنای خوشه‌ها در ارتباط با سؤال پژوهش و حوزه مطالعاتی، به‌کارگیری کدهای تفسیری برای کل مجموعه داده‌ها) و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر (استنتاج مضامین کلیدی برای مجموعه داده‌ها به‌عنوان یک کل، از طریق مدنظر قرار دادن مضامین تفسیری از موضع تئوریک و یا مقاصد عملیاتی پروژه تحقیقاتی، ایجاد نموداری برای نشان دادن روابط بین سطوح کدگذاری در منبع) است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰) که دارای مراحل زیر می‌باشد:

جدول شماره (۱)؛ مراحل تحلیل مضمون

ردیف	مرحله تحلیل	گام	اقدام
۱	الف) تحویل یا خرد کردن متن	گام اول: کدگذاری	تهیه یک چارچوب کدگذاری تجزیه متن به پاره گفتارها با استفاده از چارچوب کدگذاری
		گام دوم: شناخت مضامین	انتزاع مضامین از پاره گفتارها تصحیح مضامین
		گام سوم: ساختن شبکه‌های مضمونی	منظم کردن مضامین یافتن مضامین پایه‌ای بازآرایی مضامین پایه‌ای برای یافتن مضامین سازمان دهنده استخراج مضامین فراگیر ترسیم شبکه‌های مضمونی بازبینی و تصحیح شبکه‌های مضمونی
۲	ب) کاوش متن	گام چهارم: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی	توصیف شبکه
		گام پنجم: خلاصه کردن شبکه‌های مضمونی	اکتشاف شبکه
۳	ج) یکپارچه‌سازی اکتشافها	گام ششم: توصیف الگوها	

منبع: (Stirling-Attride.J: 2001, 391)

در این پژوهش از بررسی و مذاقه در حدود سیصد آیه از قرآن کریم محقق موفق به احصاء و جداسازی بیش از ۴۸۳ کد اولیه از متن اصلی آیات و تفاسیر آنها گشت؛ که این تعداد کد در چند مرحله منظم کردن، یافتن مضامین پایه‌ای، یافتن مضامین سازمان دهنده تا رسیدن به مضمون فراگیر مشمول تغییر و تعدیل فراوانی شدند اما درنهایت با مشورت گرفتن و انجام کار تحت نظر خبرگان و اساتید امر تمامی کدها در قالب ۲۶ مؤلفه‌ی سازمان دهنده و هشت مؤلفه‌ی فراگیر دسته‌بندی شده و در یک مرحله تشکیل گروه کانونی نهایی با حضور اساتید و صاحب‌نظران مؤلفه‌های سازمان دهنده و فراگیر مورد نظرخواهی

قرار گرفتند و تعدیلات موردنیاز پس از کسب نظر در جلسه گروه کانونی اعمال گشت. در این پژوهش سه سوره‌ی بقره، آل عمران و نساء موردبررسی قرار گرفت و کدهای حاصل از سوره‌ها با حروف، مشخص و تفکیک شد برای مثال کدهای کسب شده از سوره‌ی بقره با حرف (B)، سوره آل عمران با حرف (C) و سوره نساء با حرف (N) نشان داده شده است. پس از مطالعه متن آیات و تفاسیر آن‌ها با بهره‌گیری از تفسیر نمونه و در مواردی تفسیر راهنما متن آیات و تفاسیری که به نظر محقق در حوزه‌ی فعالیت‌های اجتماعی بودند جداسازی و طی چند مرحله کدگذاری و دسته‌بندی شد سپس هر مؤلفه‌ای که کسب شد به نظرسنجی از خبرگان گذاشته شد و در خصوص دسته‌بندی‌ها و نام‌گذاری هر مؤلفه به صورت تخصصی و در نهایت دقت، نظر اساتید پرسیده و پس از اجماع در خصوص نظرات اعمال شدند. برای نمونه روند یکی از مؤلفه‌ها در ادامه آورده شده است:

جدول شماره (۲): نمونه مراحل تحلیل مضمون

شفافیت	مجری قانون بودن بدون دخالت و دست‌کاری کردن آن	B۶۱: مجری قانون بودن بدون دخالت و دست‌کاری کردن آن؛ B۸۷: فرهنگ سازی در ایجاد خواست عمومی در تدوین قانون کامل.
	امانت‌داری وظیفه‌ای همگانی	N۳۶: نهی از مصرف شخصی بیت‌المال. N۴۷۰: نهی از نفاق؛ N۴۷۳: نهی از نجوای در جمع؛ N۵۵۵: مذمت قانون‌شکنی C۳۱۵: مشورت با عمل قاطعانه؛ C34: توجه و شناسایی متقین با خوف از خداوند و مراقبت از نفس بر انحرافات
	مذمت کتمان حق.	

در این جدول تعدادی از کدهای اولیه که به مفهوم سازمان دهنده و در نهایت فراگیر تبدیل شده‌اند نشان داده شده است. برای مثال کد شماره‌ی (B۶۱) از آیه‌ی (۸۵) سوره بقره؛ شماره (C۳۴) از آیه‌ی (۱۶) سوره آل عمران و کد (N۳۶) از آیه (۷) سوره نساء کسب شده است؛ و برای تمام ۴۸۳ کد حاصل شده این دسته‌بندی‌ها به ترتیب و دقت کامل و اعمال اصلاحات مقتضی صورت گرفته است. در بخش دوم از روش تحقیق که تشکیل گروه کانونی بوده است، از نظرات هشت نفر از اساتید و خبرگان در دانشگاه ایلام بهره برده شد. سپس با تشکیل گروه کانونی و نظرخواهی از اساتید رابطه و هم‌خوانی مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر موردبررسی قرار گرفت و مواردی که مورد توافق واقع شد شامل هشت مضمون فراگیر در حوزه‌ی اجتماعی بوده است، در نهایت از نظر صاحب‌نظران

حاضر در جلسه، مؤلفه‌های «جامعه حق مدار، مشورت و مشارکت، شایسته‌سالاری و شفافیت» بیشترین اهمیت را در نظام سازی اسلامی با رویکرد اجتماعی دارند.

پس از دسته‌بندی آیات و کدهای اولیه کسب‌شده در چند مرحله و تعیین مضامین توصیفی، سازمان دهنده و فراگیر و تشکیل گروه کانونی و اعمال اصلاحات مورد نیاز دسته‌بندی کدها طبق آنچه در جدول شماره (۳) آمده است صورت پذیرفت.

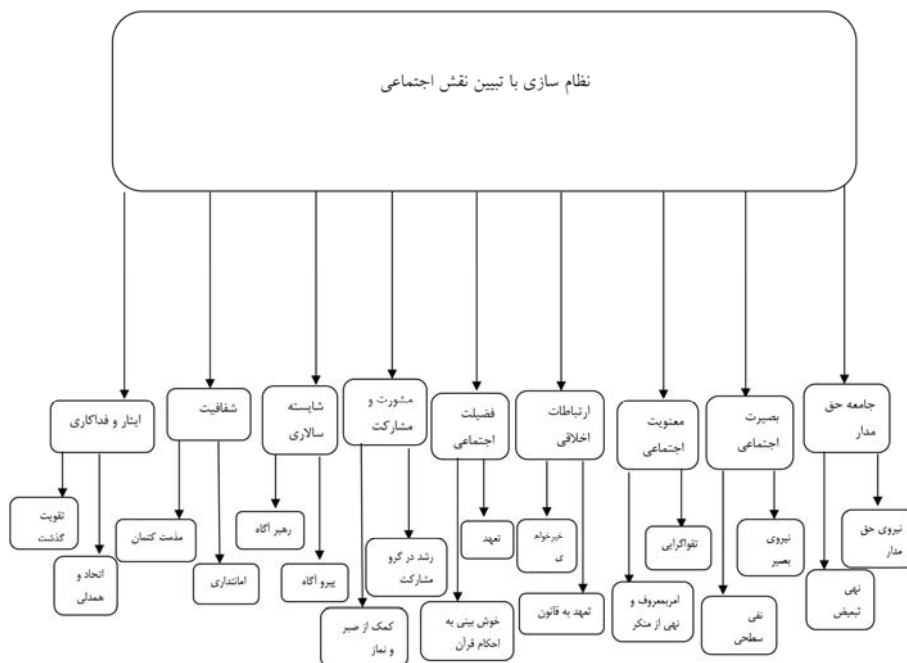
جدول شماره (۳): مراحل کدگذاری مفاهیم (توصیفی، سازمان دهنده و فراگیر).

ردیف	مفهوم فراگیر	حلقه واسط (مفهوم سازمان دهنده)	شماره کد مفاهیم توصیفی
۱	جامعه حق مدار	نیروهای حق مدار مذمت انحصارطلبی نهی از تبعیض	B۹: نیروهای حق مدار؛ B۱۵۸: لزوم (ترویج فرهنگ) میانه‌روی بر اساس حق؛ B۱۸۶: تربیت افراد حق‌طلب؛ C۴۰: توحید باوری؛ C۵۲: پرهیز از نژادپرستی؛ C۳۵۱: حقیقت‌گرایی؛ C۴۲۱: عدم تبعیض اتحاد می‌آورد؛ N۲: نفی تبعیض؛ N۵۸۰: نفی ستم‌پذیری. N۶۲۰: نفی از افراط
۲	بصیرت اجتماعی	نیروهای با بصیرت منطق و برهان محوری نفی سطحی‌نگری	B۲۶: وجود نیروهای هوشیار. C۴۲۲: دنیا مزرعه آخرت؛ C۴۲۶: درس گرفتن امور؛ C۴۳۸: منطق محوری N۱۲۳: اصلاح رفتار به واسطه اصلاح نیت. C۳۲: ترویج کسب آرامش روانی با معنویت‌گرایی؛ N۵۰۴: ارزش هر شخص به ایمان اوست؛ N۵۲۰: معنویت‌گرایی رشد همه‌جانبه دارد
۳	معنویت اجتماعی	ترویج فرهنگ پیروزی در سایه ایمان تأکید بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر سفارش به تقوا	B۴۶: نیروی زاهد و عابد. B۶۳: در نظر داشتن رضایت خداوند در همه حال... C۹: دعوت به اندیشه ورزی در سازمان؛ C۳۳: معنویت و اعتماد داشتن به خداوند؛ C۱۴۱: تأکید بر اهمیت فردی و جمعی امر به معروف و نهی از منکر؛ C۲۵۶: نفی و نهی از دنیاپرستی N۵۳: نهی از قانون‌گریزی
		نیکو سخن گفتن با خلق،	B۲: خوش‌خلقی، C۲۵۰: ابتدا خود عمل کنیم بعد تبلیغ؛

<p>۴</p>	<p>ارتباطات اخلاقی</p>	<p>خیرخواهی نسبت به مردم الزام به تعهد به قانون</p>	<p>N۴: نیکی به دیگران؛ NV: ادای دیون؛ N۳۵۹: نیکی در برابر نیکی دیگران؛ N۳۷۹: مساعدت دیگران؛ N۵۲۴: اصلاح رفتار؛ N۲۰۲: حسادت پس رفت می آورد. C۴۲۳: نفی ظاهربینی؛ تکرار دعوت به نیکی‌ها تا جا افتادن آن</p>
<p>۵</p>	<p>فضیلت اجتماعی</p>	<p>تعهد انسانی بهبود اخلاق اجتماعی خوش‌بینی به حل بحران‌ها با مراجعه به احکام قرآن</p>	<p>B۱۴: مقید به اجرای اصول ابتدا و بعد فرعیات؛ B۴۳: ترویج تفکر واقع‌بینی در خصوص عمل‌گرایی به‌جای شعار سردادن؛ B۲۴۴: نفی قوانین انسان‌محور C۱۱۱: قانون الهی شاخص عمل صحیح؛ C۱۶۲: ترویج فرهنگ اینکه: احکام الهی پاسخگوی نیازهای زندگی 28N: تقدم نفع جامعه بر نفع شخصی</p>
<p>۶</p>	<p>مشورت و مشارکت‌گرایی</p>	<p>کمک گرفتن از صبر و نماز برای رسیدن به اتحاد و یکرنگی برای رسیدن به اتحاد و یکرنگی رشد درگرو مشارکت</p>	<p>B۴۹: کمک گرفتن از صبر و نماز برای رسیدن به اتحاد و یکرنگی؛ B۶۲: دوری از در نظر گرفتن منافع شخصی و تغییر قانون B۱۰۳: پیشرفت به یکدیگر در سایه کمک؛ ۲: N۴۰: تأکید بر توسعه اجتماع؛ N۱۱۴: مذمت بخل؛ C۳۰۳: مشورت رشد فرد را در پی دارد</p>
<p>۷</p>	<p>شایسته‌سالاری</p>	<p>ایمان و عمل صالح ملاک قضاوت پیرو حق و عدل بودن قضاوت رهبر باید آگاه به مسائل روز باشد</p>	<p>B۱۲۰: ایمان و عمل صالح ملاک قضاوت (انتخاب)؛ B۱۷۳: رهبری دلسوز؛ B۱۷۴: رهبر عامل قانون؛ C۲۴: ترویج شایسته‌سالاری. C۲۶۰: حتی رهبر حق تک رویی ندارد؛ C۳۴۲: رهبر باید فروتن باشد؛ N۹۴: ترویج وفای به عهد؛ N۹۷: تدبیر امور زیر سایه رهبر مدبر</p>
<p>۸</p>	<p>شفافیت</p>	<p>مجری قانون بودن بدون دخالت و دست‌کاری</p>	<p>B۶۱: مجری قانون بودن بدون دخالت و دست‌کاری کردن آن؛ B۸۷: فرهنگ سازی در ایجاد خواست عمومی در تدوین قانون کامل. N۳۶: نهی از مصرف شخصی بیت‌المال. N۴۷۰: نهی از نفاق؛ N۴۷۳: نهی از نجوای در</p>

جمع؛ N۵۵۵: مذمت قانون‌شکنی C۳۱۵. مشورت با عمل قاطعانه	کردن آن		
	امانت‌داری وظیفه‌ی همگانی		
	مذمت کتمان حق.		
B۷۰: ترویج و سفارش اتحاد و همدلی بااخلاق مداری؛ B۱۷۷: صبر شاخص سنجش افراد؛ B۱۷۸: صبر شاخص سنجش افراد؛ B۲۷۲: ترویج تفکر صبر و توکل؛ B۲۷۵: ترویج انفاق. B۲۸۳: گسترش عامل به انفاق بودن. C۱۰۹: مطیع خدا بودن وحدت می‌آورد؛ C۲۲۴: انفاق منحصر به مال نیست؛ C۲۲۵: ارزشمندی انفاق حتی به میزان اندک؛ C۲۲۸: ترویج کظم غیظ؛ N۴۲۱: ترویج فرهنگ هجرت در راه خدا. B۴۷: تذکر به نماز برای اتحاد و یکرنگی. C۲۹۲: تقویت جهاد با توکل بر خدا.	B۷۰: ترویج و سفارش اتحاد و همدلی بااخلاق مداری تأکید بر اتحاد و همدلی B۲۴۲: تقویت روحیه ایثارگری و گذشت	ایثار و فداکاری	۹

همان‌گونه که در جدول نشان داده شده است می‌توان مضامین فراگیر در حوزه‌ی نظارت اجتماعی را در نه دسته‌ی کلی دسته‌بندی نمود. نمودار درختی این مؤلفه‌ها نیز به این صورت است (در این نمودار به دلیل اشغال فضا برای هرکدام از مضامین فراگیر، تنها دو مضمون توصیفی آورده شده است).



شکل شماره (۱): نمودار درختی نظام سازی اسلامی در حوزه اجتماعی

تحلیل یافته‌ها:

همان‌طور که پیشتر بحث شد، مؤلفه‌های فراگیر برای نظام سازی در بخش اجتماعی هشت مورد دسته‌بندی شده‌اند که در ادامه به تبیین آن‌ها پرداخته شده است:

۵. مؤلفه‌های فراگیر برای نظام سازی در بخش اجتماعی

۱.۵ جامعه حق مدار

دعوت به حق و حق مدار بودن برای همه افراد در جامعه یکسان بوده و کسی از آن مستثنا نیست و این امر تنها برای رساندن بشر به کمال است؛ پس همان‌طور که واجب است برای به کمال رساندن نفس، آثار کمال را که همان اعمال صالح است بیاوریم و در آن تمرین و ممارست داشته (ترجمه المیزان، ج ۱۵: ۶۶۶) باشیم. در نهج البلاغه نیز امام علی (ع) طی خطبه‌های متعدد به طرفداری از حق پرداخته‌اند که از جمله‌ی آن می‌توان به این موارد اشاره نمود: آگاه باشید ریاکاری و تظاهر هر چند اندک باشد شرک است، از دروغ برکنار باشید که

با ایمان فاصله دارد. راست‌گو در راه نجات و بزرگواری است (خطبه ۸۶: ۱۰۳). آگاه باشید من با دو کس پیکار می‌کنم، کسی که چیزی را ادعا کند که از آن او نباشد و آن کس که از ادای حق سرباز زند (خطبه ۱۷۳: ۲۳۳).

۲.۵ بصیرت اجتماعی

جمع بصر ابصار است مثل «وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ» (نحل: ۷۸)، ابصار به معنی بصیرت‌ها و معرفت‌ها نیز آمده است. طبرسی در آیهی «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنتُمْ» (یوسف: ۱۰۸)، آن را معرفت و بینائی دل فرموده است؛ و از اینجاست که بصیرت را عقل و زیرکی معنی کرده‌اند (قاموس قرآن، ج ۱: ۱۹۶) در آیه: «يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (بقره: ۲۱۹) نیز بشر به تفکر و بالا بردن سطح درک خود دعوت شده است؛ معنای آیه این است که: شاید شما درباره امور دنیا و آخرت فکر کنید، (نه اینکه در دنیا و آخرت فکر کنید) (ترجمه المیزان، ج ۲: ۲۹۵). بصیرت و تشخیص اینکه در چه موقعیتی چه رفتاری از انسان سر بزند مورد توجه امام علی (ع) بوده است و در نامه‌های مختلف به آن‌ها اشاره شده است. در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن و درجایی که جز با درستی کار انجام نگیرد، درستی کن (نامه ۴۶: ۳۹۷). آگاه باشید ای بندگان خدا؛ پرهیزکاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند با مردم دنیا در دنیایشان شریک گشته اما مردم دنیا در آخرت آن‌ها شرکت نکردند (نامه ۲۷: ۳۶۳).

۳.۵ معنویت اجتماعی

در جامعه اسلامی مادامی که امت توکل بر خدا و رشد در معنویات داشته است خداوند امداد به آنان رسانده و هرگاه تهی از معنویات بوده‌اند با تنبیه امت آنان را هوشیار نموده تا بدانند تنها موفقیت در سایه‌ی معنویت‌گرایی است که حاصل خواهد شد. دقت کافی در جنگ‌های رسول خدا (ص) این معنا را روشن می‌سازد جایی که اعتقاد راسخ به خداوند وجود داشته باوجود کمبود امکانات پیروز شده‌اند و زمانی که مغرور داشته‌های خود بوده‌اند، به آنان تلنگر زده شده است. «وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَّبَتْ ثُمَّ وَابَتْ» (و در جنگ حنین که فریفته و مغرور بسیاری لشکر اسلام شدید و آن لشکر زیاد اصلاً به کار شما نیامد و زمین به آن فراخی بر

شما تنگ شد تا آنکه همه رو به فرار نهادید» (سوره توبه آیه ۲۵) و این آیه بر چند نکته دلالت دارد: اول اینکه اسلام هر قدر در زمان رسول خدا (ص) عزت و شوکت ظاهریش بیشتر می شد قوای روحی و درجه ایمان و فضائل اخلاقی عامه مسلمین رو به کاهش می گذاشت (ترجمه المیزان، ج ۹: ۱۶۴). در خطبه های مختلف امام علی (ع) نیز به آن تأکید داشته اند: کسی که جامعه ی تقوا بر قلبش بپوشاند کارهای او آشکار شود و در کارش پیروز گردد. پس در به دست آوردن بهره های تقوا فرصت را غنیمت شمارید (خطبه ۱۳۲: ۱۷۷).

۴.۵ ارتباطات اخلاقی

دین، عاملی برای نشر فضایل اخلاقی و عدالت در جامعه می باشد؛ چون غیر از دین هیچ عامل دیگری بشر را به داشتن ایمان و اخلاق فاضله و عدالت و صلاح دعوت نکرده (ترجمه المیزان، ج ۲: ۲۲۶). قرآن همواره انسان را به رعایت اخلاق و انصاف در برخورد با یکدیگر سفارش نموده و سعادتش را در گرو رعایت اخلاق نیک دانسته است. «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زَنُوا بِالْقَسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء، ۳۵) (ترجمه المیزان، ج ۱۳: ۱۲۵). رعایت اخلاق در جامعه و فرهنگ سازی برای رعایت اخلاقیات، جامعه ساز بوده و قطعاً رعایت اخلاق یا عدم رعایت آن سعادت یا شقاوت انسان را در پی خواهد داشت (ترجمه المیزان، ج ۲: ۲۲۵). امام علی (ع) نیز در این مورد توجه ویژه ای داشته اند و معتقد به اشاعه ی فرهنگ نیک خلقی و حفظ احترام متقابل بوده اند چنانکه آن را سیره ی رسول اکرم دانسته و خود نیز بر تذکر آن مقید بوده اند: «هر روز نشانه ی تازه ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود و به من فرمان می داد که به او اقتدا نمایم» (خطبه ۱۹۲: ۲۸۵).

۵.۵ مشورت و مشارکت گرایی

انسان هر اندازه هم هوش و استعداد و عقل و درایت داشته باشد باز ممکن است در تصمیم گیری های خود دچار خطا باشد. در قرآن کریم، این واژه (مشورت) با مشتقات آن سه بار ذکر شده است: ۱- فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: ۱۵۹) از آن ها در گذر و به آن ها طلب آمرزش کن و با آن ها در کار مشورت نما و چون تصمیم گرفتی پس بر خدا توکل کن. همانا خدا توکل کنندگان را دوست دارد. البته ایشان نیازی به مشورت نداشت ولی برای احترام به

دیگران و شخصیت دادن به آن‌ها مأمور به این کار بود و هم اینکه مشورت کردن در میان مسلمانان به صورت یک سنت مطرح شود و مسلمانان با یکدیگر مشورت کنند (کوثر، ج ۲: ۲۸۶)؛ و نیز در سوره: شوری، آیه ۳۷ می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ». یعنی کار آنان (یعنی مسلمانان واقعی) با شورا و مشورت انجام می‌شود (تفسیر آسان، ج ۳: ۵۳ و ۵۴). یا در جایی دیگر برای رشد فکری جامعه به امر مشورت امر می‌کند: (وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ): برای زنده کردن شخصیت آن‌ها و تجدید حیات فکری و روحی آنان دستور می‌دهد که در کارها با مسلمانان مشورت کن و رای و نظر آن‌ها را بخواه، زیرا اثری که در آن برای پرورش فرد و اجتماع و بالا بردن شخصیت آن‌ها وجود دارد از همه این‌ها بالاتر است (تفسیر نمونه، ج ۳: ۱۴۲ و ۱۴۳). امام علی (ع) نیز در این مورد نظر ویژه‌ای دارند: همانا تو از کسانی هستی که در یاری دین از آن‌ها کمک می‌گیرم و سرکشی و غرور گناهکاران را درهم می‌کوبم (نامه ۴۶: ۳۹۷).

۶.۵ فضیلت اجتماعی

همواره ملاک فضیلت و برتری افراد نزد خداوند بر اساس ارزش‌هایی بوده و هست که در وجود آدمی نهادینه شده است. لذا انسان باید سعی در تعالی روح خود داشته باشد و از این طریق فضایل را تحصیل نماید. این در حالی بوده است که از ابتدا مردم به‌ظاهر بینی و قضاوت بر مبنای مادیات عمل نموده‌اند و پیامبران نیز به مبارزه با این تفکر پرداخته‌اند؛ نوح (ع) به مبارزه با این طرز فکر برخاسته و خطاب به ایشان گفت: «وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا (هود، ۳۱) - من به طبقه ضعیف که به من ایمان آورده و در نظر شما خوار و حقیر می‌آیند هرگز نمی‌گویم که خدا هیچ خیری به آنان نخواهد داد.» آنگاه به منظور اینکه سران کافر را به اشتباهشان و به بطلان اعتقادشان متذکر کند، فرمود: «اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ» - خدا بهتر می‌داند که در دل‌های آنان چه ارزش‌ها و یا ضد ارزش‌هایی وجود دارد (ترجمه المیزان، ج ۱۰: ۳۱۹). در نهج‌البلاغه نیز در مورد فضایل و صاحبان حقیقی فضیلت چنین آمده است: عترت پیامبر (ص) جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی و نگهبان کتاب‌های آسمانی و کوه‌های همیشه استوار دین خدایند. خدا به وسیله اهل بیت (ع) پشت خمیده دین را راست نمود و لرزش و اضطراب آن را از میان برداشت (خطبه ۲: ۲۹). پاداش سبقت در فضیلت‌ها را بردم و کسی نمی‌توانست عیبی در من بیابد (خطبه ۳۷: ۶۳).

۷.۵ شایسته‌سالاری

شایسته‌سالاری و انتخاب افراد اصلح برای تصدی امور، از زمینه‌های لازم برای اجرای عدالت و تحقق آن به شمار می‌رود. این مهم باید همواره مدنظر بوده و از تصدی امور توسط افراد نالایق که خسارات برای جامعه در پی خواهد داشت ممانعت به عمل آورد. در قرآن کریم نیز با حساسیت خاصی به امر شایسته‌سالاری پرداخته است: خداوند در سوره معارج به ذکر اوصاف انسان‌های شایسته به صورت یک استثنا ضمن بیان چند صفت از اوصاف برجسته پرداخته، می‌گوید: مگر نمازگزاران «إِلَّا الْمُصَلِّينَ». همان نمازگزارانی که نمازهای خود را تداوم می‌بخشند «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ». این نخستین ویژگی آن‌هاست، سپس به دومین ویژگی آن‌ها پرداخته می‌افزاید: «کسانی که در اموالشان حق معلومی است» (وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ). «برای تقاضاکنندگان و محرومان» (لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ) و به این ترتیب هم ارتباطشان را با خالق حفظ می‌کنند و هم پیوندشان را با خلق خدا (تفسیر نمونه، ج ۲۵: ۳۰). امام علی (ع) نیز در مورد شایستگی‌های رهبر نظرات قابل تأملی دارند: همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل، بر ناموس و مال و غنیمت‌ها و احکام مسلمین ولایت و رهبری یابد؛ و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند و ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد که با ستم حق مردم را قصب و عطا‌های آنان را قطع کند (خطبه ۱۳۱: ۱۷۵).

۸.۵ شفافیت

شفافیت و علنی کردن حقایق در جامعه سبب ایجاد یک دیدگاه واقع بینانه از امور در مردم می‌شود و آنان را نسبت به وضع موجود آگاه می‌نماید، در جامعه اسلامی حق تمام مردم است که از حقایق آگاه باشند. در قرآن کریم دو آیه؛ ۱۵۹ و ۱۶۰ از سوره بقره کاملاً به امر کتمان حق و نهی از آن اختصاص داده شده است که در ادامه به صورت مفصل به آن پرداخته می‌شود. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره، ۱۵۹) «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُ فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره، ۱۶۰)

۱۵۹- کسانی که دلایل روشن و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان ساختیم کتمان می‌کنند، خدا آن‌ها را لعنت می‌کند و همه لعن کنندگان نیز آن‌ها را لعن می‌نمایند.

۱۶۰- مگر آن‌ها که توبه و بازگشت کردند و (اعمال بد خود را با اعمال نیک) اصلاح نمودند و آنچه را کتمان کرده بودند آشکار ساختند که من توبه آن‌ها را می‌پذیرم که من تواب و رحیمم. "کتمان حق" عملی است که خشم همه طرفداران حق را برمی‌انگیزد، حتی گاه سکوت درجایی که باید سخن گفت و افشاگری کرد، مصداق کتمان حق می‌شود به تعبیر دیگر افشا کردن حقایق در مسائل مورد ابتلای مردم، مشروط به سؤال نیست (تفسیر نمونه، ج ۱: ۵۴۹ و ۵۵۰). امام علی (ع) شفافیت و آشکارسازی حق را به مثابه امانتی نزد افراد می‌داند که باید ادا گردد: یکی دیگر از وظایف الهی، ادای امانت است. آن‌کس که امانت‌ها را نپردازد زیانکار است (خطبه ۲۹۹: ۱۹۹ و ۳۰۰).

۹.۵ ایثار و فداکاری

انفاق از نشانه‌های مؤمنان در جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر است و در قرآن کریم نیز به کرات به آن اشاره‌های مستقیم شده است (أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ۲۲۷). «در راه خدا انفاق کنید و خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید» (وَ أَنْفُقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ). در آخر آیه دستور به نیکوکاری داده، می‌فرماید: «نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» (وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ). این آیه بیانگر یک حقیقت کلی و اجتماعی است این که انفاق به طور کلی سبب نجات جامعه‌ها از مفاسد کشنده است، زیرا هنگامی که مسئله انفاق به فراموشی سپرده شود و ثروت‌ها در دست گروهی معدود جمع گردد و در برابر آنان اکثریتی محروم و بینوا وجود داشته باشد دیری نخواهد گذشت که انفجار عظیمی در جامعه به وجود می‌آید، که نفوس و اموال ثروتمندان هم در آتش آن خواهد سوخت، بنابراین انفاق، قبل از آن که به حال محرومان مفید باشد به نفع ثروتمندان است، زیرا تعدیل ثروت حافظ ثروت است. امیر مؤمنان علی علیه السلام در یکی از کلمات قصارش می‌فرماید: حصّٰنوا اموالکم بالزّکاٰة: «اموال خویش را با دادن زکات حفظ کنید» (برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱: ۱۷۷).

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

علوم انسانی که به‌عنوان بعد انسان و جامعه‌ساز در بین علوم مختلف شناخته می‌شود، به‌عنوان یک مبنای مهم در آموزش عالی تلقی می‌گردد. هم‌چنین با بهره‌گیری از علوم انسانی می‌توان امیدوار بود با تکیه بر مبانی و اصول اسلامی-ایرانی در این عرصه به کمال و

شکوفایی در زمینه‌های اجتماعی از یک‌سو و رفع مشکلات موجود از سوی دیگر برسیم؛ علی‌رغم این درجه از اهمیت و اثرگذاری بر امور مختلف خصوصاً بعد معنوی جامعه، در ایران علوم انسانی صرفاً ترجمه‌ای از نظریات و اندیشه نظریه‌پردازان غربی بوده که آن‌ها نیز آنچه متناسب با شرایط جوامع خود بوده است تدوین نموده‌اند که در گذر زمان نیز با تغییر مقتضیات، نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای جدید باشند و نیازمند بازنگری‌های جدی می‌باشند و این امر خود، ضعفی بزرگ برای جامعه اسلامی است. این در حالی است که مبانی دینی و اسلامی به‌اندازه‌ای غنی هستند که تنها کلام نورانی قرآن برای اداره جامعه اسلامی در هر عصر و زمانی کفایت می‌کند و نیازی به بهره‌گیری از نظریات محدود و غیرقابل‌تعمیم در دوران مختلف که غربی‌ها تدوین نموده‌اند نیست. لذا از ضروریات جامعه اسلامی امروز است تا با نظام‌سازی صحیح و دقیق از منابع قرآنی، کشور را در این زمینه بی‌نیاز نماییم. این امر مهم محقق نخواهد شد مگر با تحقیق و پژوهش گسترده و جهاد گونه جهت کشف مؤلفه‌های مدنظر اسلام و استخراج آن‌ها از مبانی دینی در این حوزه. از سویی این تحقیق به نظام‌سازی اسلامی با در نظر گرفتن حوزه اجتماعی جهت کسب مؤلفه‌هایی که در حوزه‌ی اجتماع مدنظر کلام وحی بوده است تا از طریق به‌کارگیری و نهادینه نمودن آن مؤلفه‌ها بتوان مشکلات اجتماعی را مرتفع نمود صورت گرفته است. لذا محوریت تأکید تحقیق و مؤلفه‌های کسب‌شده بر حوزه‌ی اجتماع بوده است. این پژوهش به‌عنوان سرآغازی برای این راه طولانی و مهم قلمداد شده و قطعاً باید با تحقیقات و نظریه‌پردازی‌های صاحب‌نظران تکمیل گردد.

با توجه به یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌شود که:

۱. با توجه به نیاز مبرم کشور در اصلاح و بازتعریف نظام‌های معیوب و ناکارآمد فعلی در حوزه علوم انسانی، سایر پژوهشگران و محققان در بخش‌های مختلف، مطالعات و پژوهش‌های عمیقی در این خصوص را شروع نمایند و در تکمیل نظام‌سازی اسلامی بکوشند.

۲. با توجه به اهمیت نظام‌سازی اسلامی نیاز است در جهت تعریف رشته‌ای جدید در علوم انسانی مرتبط با هر بخش از آن تلاش شود.

۳. نظام‌سازی اسلامی و تغییر رویه‌های ناکارآمد موجود باید به یک خواست عمومی در جامعه علمی تبدیل گردد و مجلات و فصلنامه‌هایی که به‌صورت گسترده و تخصصی به

پذیرش مقالاتی در این خصوص مبادرت می‌ورزند تصویب شوند تا در یک حرکت منسجم نظام سازی اسلامی طراحی و تکمیل شود.

برای انجام این پژوهش محدودیت‌هایی نیز وجود داشت که چند نمونه‌ی آن به شرح زیر می‌باشد:

۱. نبود ادبیات کافی و گسترده در خصوص نظام سازی به دلیل عدم مبادرت به پژوهش‌های جدی در این حوزه.
۲. عدم دسترسی به نتایج پژوهش‌های دیگر محققان به دلیل تنها بسنده کردن به تأکید بر لزوم امر نظام سازی اسلامی در پژوهش‌های گذشته.
۳. نبود اراده و تلاش منسجم در جامعه علمی کشور برای انجام پژوهش‌های اکتشافی جهت تغییر رویه‌های ناکارآمد فعلی و صرفاً قناعت کردن به تائید اینکه وضعیت موجود، وضعیتی ایده آل در جامعه اسلامی نیست و باید تغییر نماید.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
- ۲) آشوری، داریوش . (۱۳۸۱). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران: آگاه
- ۳) ابن منظور، افریقا. (۱۴۰۵) *لسان العرب*، جلد ۱۳. بیروت: دار احیا التراث العربی .
- ۴) امام خمینی (ره)، (۱۳۸۸). *مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)* (صحیفه نور)، تهران، انتشارات نوید شاهد، ج ۲۱ .
- ۵) ارسطا، محمدجواد. (۱۳۹۰)، *فقه نظام ساز، فصلنامه سوره*، شماره ۵۶-۵۷. ۱۷۸-۱۸۰
- ۶) الویری، محسن، برزویی، محمدرضا . (۱۳۹۴)، *گونه شناسی رویکردهای آموزه ی مهدویت در چارچوب ظرفیت تمدنی، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، شماره ۳۴ . ۵۵-۸۲
- ۷) امینی، پرویز. (۱۳۹۱). *دکترای علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)* . قدرت نظام سازی؛ شاخص تحول در علوم انسانی، وب سایت الف (جامعه خبری تحلیلی)؛ قابل دسترسی در آدرس زیر:
<http://www.ghatareh.com/news/nn9732637/>
- ۸) بابایی، احمد علی (۱۳۸۲) . *برگزیده تفسیر نمونه*. چاپ سیزدهم، ناشر: دار الکتب الاسلامیه؛ تهران
- ۹) بیانات مقام معظم رهبری، (۱۳۹۰/۰۶/۱۷) : دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب. قابل دسترسی در:
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17222>
- ۱۰) بیانات مقام معظم رهبری؛ (۱۳۹۱/۰۹/۲۱). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3952>

(۱۱) پیوسته، صادق، (۱۳۹۴). بررسی ضرورت‌های نظام‌سازی اجتماعی و نتایج آن؛ گروه فرهنگی برهان؛ قابل دسترسی در آدرس زیر:

<http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=8540>

- (۱۲) تهنوی، محمد. (۱۴۱۸). *کشف اصطلاحات الفنون*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج اول.
- (۱۳) حسین زاده، علی محمد. (۱۳۸۸). *فقه و کلام*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، ج اول.
- (۱۴) جعفری؛ یعقوب (۱۳۷۶) *تفسیر کوثر* جلد یک. انتشارات هجرت. قم.
- (۱۵) حیدری چناری، یوسف، مهدوی آزادبنی، رمضان. (۱۳۹۰). *التقاط و بحران در علوم انسانی، فصلنامه پژوهش های اجتماعی اسلامی، شماره ۵، ۱۸۳-۲۰۴*.
- (۱۶) دانایی فرد، حسن. الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل. (۱۳۸۶). *روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکرد جامع*. تهران: اشراقی.
- (۱۷) دانایی فرد، حسن. (۱۳۹۳). *چالش های مدیریت دولتی در ایران*. تهران: سمت.
- (۱۸) ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *درآمدی بر دوائر المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- (۱۹) شیخ زاده، محمد. (۱۳۹۰). *تدوین الگوی رهبری خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقایسه آن با برخی از الگوهای رهبری خدمتگزار در مدیریت نوین*. پایان نامه منتشر نشده دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت گرایش رفتار سازمانی.
- (۲۰) علی ابن ابیطالب (ع). (۴۰ قمری). *نهج البلاغه* (ترجمه محمد دشتی). (۱۳۹۰). چ: ششم، تهران: انتشارات نشتا.
- (۲۱) عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد. (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی*. *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، دوره (۵)، ۱۹۸-۱۵۱.
- (۲۲) طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ پنجم.
- (۲۳) طبیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم، انتشارات اسلام، تهران.
- (۲۴) گودرزی، غلامرضا. (۱۳۹۴). *مدل سازی ویژگی های نیروی انسانی در راستای تحقق تمدن زمینه ساز؛ برداشتی از روش متدولوژی سیستم های نرم (SSM)*، *فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، شماره ۳۴، ۳۹-۵۴.
- (۲۵) لاریجانی، محمدجواد. (۱۳۹۰). *چالش دین زدایی و یا التقاط در نظام سازی مدرن و راه برون رفت از آن*، *فصلنامه پژوهش های اجتماعی اسلامی*، شماره ۵، ۴۳-۷۰.
- (۲۶) لطیفی، میثم. (۱۳۹۲). *مبانی و اصول نظم و انضباط در سازمان*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- (۲۷) مشکانی سبزواری، عباسعلی. الویری، محسن. (۱۳۹۰). *درآمدی بر ظرفیت های تمدن سازی فقه*. *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، شماره ۳، ۱۴۵-۱۸۲.

۲۴ نظام‌سازی اسلامی در حوزه اجتماعی از منظر علم مدیریت و فقه اسلامی

- ۲۸) موسوی همدانی، سید محمد باقر، (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. چاپ پنجم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم. قم.
- ۲۹) نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ ق). *تفسیر آسان*. چاپ اول، ناشر: انتشارات اسلامیه. تهران.

Attride-Stirling, J. (2001). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.